

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه

سال ۸، شماره ۳۲، خرداد و تیر ۱۳۹۹

## عامه‌نگاری در چاپ سنگی مصور نوش‌آفرین گوهر تاج (با بررسی قدیم‌ترین نسخه چاپ سنگی مصور نوش‌آفرین گوهر تاج، مورخ ۱۲۶۳ق)

فاطمه ماهوان<sup>۱</sup>

(دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۰ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۴)

### چکیده

قصه‌های عامه در دوره قاجار در میان مردم محبوبیت و شیوع بیشتری یافت. ظهور چاپ سنگی در این دوره به نشر و گسترش این داستان‌ها کمک بسیاری کرد. به‌ویژه چاپ‌های سنگی مصور که داستان‌ها را با زبان تصویر و با جذابیت بیشتری برای مردم بیان می‌کردند. داستان «نوش‌آفرین گوهر تاج»، داستان عامه‌منثوری از دوره قاجار در شرح عشق شاهزاده ابراهیم، فرزند پادشاه چین، برای رسیدن به معشوقش نوش‌آفرین گوهر تاج، دختر پادشاه دمشق است. نویسنده و زمان تألیف این داستان عامه معلوم نیست. چاپ‌های سنگی متعدد نوش‌آفرین گوهر تاج، حاکی از مقبولیت و محبوبیت آن نزد عموم مردم است. با توجه به اهمیت این داستان نزد مردم، پژوهش حاضر یکی از مهم‌ترین چاپ‌های سنگی این داستان، یعنی نخستین چاپ سنگی مصور نوش‌آفرین گوهر تاج، مورخ ۱۲۶۳ق محفوظ در آکادمی ملی لنینچی در رم را بررسی می‌کند. نسخه مذکور به ۵۷ نگاره به قلم برجسته‌ترین تصویرگر کتب چاپ سنگی، یعنی میرزا علیقلی خوبی، مزین است. در این جستار، داستان عامه «نوش‌آفرین گوهر تاج» معرفی و اهمیت چاپ‌های سنگی در ترویج این داستان بررسی می‌شود. بخش اصلی مقاله به تحلیل نگاره‌های این نسخه از منظر چهره‌پردازی و پیکره‌نگاری، تصویرگری

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول).

\* f.mahvan@um.ac.ir

موجودات موهوم و افسانه‌ای و ترسیم صحنه‌های رزم و بزم اختصاص دارد. حاصل پژوهش نشان می‌دهد که تصویرگر نسخه در تلاش بوده است تا نگاره‌ها را به شیوه‌ای مردم‌پسند و متناسب با نیازهای عصر خود به تصویر درآورد.

**واژه‌های کلیدی:** نوش‌آفرین گوهرتاج، چاپ سنگی، میرزا علی قلی خویی، نگارگری.

### ۱. مقدمه

داستان «نوش‌آفرین گوهرتاج» داستان عامه‌منثوری از دوره قاجار در شرح عشق شاهزاده ابراهیم، فرزند پادشاه چین، برای رسیدن به معشوقش نوش‌آفرین گوهرتاج، دختر پادشاه دمشق است. نویسنده و زمان تألیف این داستان، همچون بسیاری از قصه‌های عامه‌دیگر، نامعلوم است. به گفته مارزلف (۱۳۹۲: ۹) این داستان از قصه‌های سرگرم‌کننده‌ای است که همچون قصه حسین کرد شبستری و رموز حمزه، پیشینه تاریخی ندارد و بیشتر نمونه‌ای از یک قصه ساختگی محسوب می‌شود، چنانکه قصه امیرارسلان با چنین خصوصیتی سال‌ها بعد از سوی نقیب‌الممالک، نقال‌باشی ناصرالدین شاه قاجار آفریده شد. بسیاری از ویژگی‌های سبکی داستان‌ها یا رمان‌های عاشقانه و عامه را در این داستان می‌توان دید؛ از جمله خرق عادت‌ها، انسان‌ها، گیاهان، جانوران و مکان‌های شکفت‌انگیز، گزاره‌های قالبی، طرح مدور، اشعار و ضرب‌المثل‌ها (ذوالفقاری و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۱). در این داستان موجودات افسانه‌ای نظیر دیو، اژدها، پری و ... در نقش نیروهای یاریگر و دشمن ظاهر می‌شوند. این قصه آمیزه‌ای از رزم و بزم است. در این پژوهش قدیم‌ترین نسخه چاپ سنگی مصور نوش‌آفرین گوهرتاج، مورخ ۱۲۶۳ ق محفوظ در آکادمی ملی لینیچی در رم، مزین به ۵۷ نگاره بررسی می‌شود. کاتب نسخه علی‌اصغر تفرشی و تصویرگر میرزا علیقلی خویی، تصویرگر چیره‌دست کتب چاپ سنگی، است. پرسش پژوهش این است که شاخصه‌های عامه‌نگاری این داستان چگونه در نگاره‌های آن انعکاس یافته است؟ در این مقاله ابتدا داستان عامه «نوش‌آفرین گوهرتاج» معرفی و سپس اهمیت چاپ‌های سنگی این نسخه در ترویج داستان بیان می‌شود. بخش اصلی این تحقیق، تحلیل نگاره‌ها از منظر چهره‌پردازی،

پیکره‌نگاری، ترسیم صحنه‌های رزم و بزم، تصویرگری موجودات موهوم و افسانه‌ای را شامل می‌شود.

## ۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

از آنجا که نسخه مذکور، نخستین چاپ سنگی مصور داستان «نوش آفرین گوهر تاج» است و از قدیم‌ترین چاپ‌های سنگی به‌شمار می‌آید، پژوهش درباره آن ضرورت دارد. درباره این نسخه تاکنون پژوهشی صورت نگرفته و با توجه به قدمت نسخه جای خالی بررسی و تحلیل نگاره‌های آن احساس می‌شود. از سوی دیگر، تصویرگر این نسخه میرزا علیقلی خوبی معروف‌ترین و برجسته‌ترین تصویرگر کتب چاپ سنگی دوره قاجار است که تاکنون حدود سی جلد کتاب شامل ۱۳۰۰ تصویر به رقم و امضای او برجای مانده است. جایگاه شاخص این تصویرگر دلیلی دیگر بر اهمیت نسخه و ضرورت پژوهش درباره آن است.

## ۳. پیشینه تحقیق

در زمینه این داستان عامه پژوهش‌هایی که آورده می‌شود، انجام شده است:

۱. مقاله «قصه‌شناسی نوش آفرین‌نامه»، تألیف حسن ذوالفقاری و همکاران. جستارهای ادبی، ۱۳۹۰، شماره ۱۷۳. صص ۷۲ - ۹۸. این مقاله ضمن تحلیل ابعاد ساختاری و محتوایی داستان نوش آفرین گوهر تاج، به بیان نمونه‌هایی از تأثیرپذیری این داستان از داستان امیرارسلان نامدار می‌پردازد.

۲. مقاله «بازشناسی رقم نقاش در نسخ چاپ سنگی دوره قاجار (مطالعه تطبیقی نسخه چاپ سنگی نوش آفرین گوهر تاج محفوظ در کتابخانه آستان قدس رضوی و آثار میرزا نصراله)»، تألیف اکرم رفیعی وردنجانی و علی‌اکبر شریفی مهرجردی، هنرهای زیبا (هنرهای تجسمی)، ۱۳۹۶، دوره ۲۲، صص ۳۱ - ۴۲. این مقاله یکی دیگر از نسخ چاپ سنگی (نسخه محفوظ در کتابخانه آستان قدس) را بررسی کرده و با توجه به ویژگی‌های سبکی و زیباشناختی تصاویر، نگارگر نسخه را تخمین زده است.

از داستان «نوش آفرین گوهر تاج» دو چاپ موجود است:

- مارزلف، اولریش (۱۳۹۲). *قصه نوش آفرین گوهرتاج*. تهران: به‌نگار.
- اسکندری، نسرین و اکبر اسکندری (۱۳۹۵). *نوش آفرین گوهرتاج*. شیراز: مروارید.

همچنین، در کتاب *قصه عاشقان قدیمی* از ایرج بهرامی (۱۳۸۷) خلاصه‌ای از داستان ذکر شده است.

تصاویر چاپ سنگی که در این تحقیق بررسی می‌شود، در کتاب *تصویرسازی داستانی در کتاب‌های چاپ سنگی فارسی*، تألیف اولریش مارزولف به چاپ رسیده است.

#### ۴. چاپ‌های سنگی داستان «نوش آفرین گوهرتاج»

تعدد چاپ‌های سنگی *نوش آفرین گوهرتاج*، حاکی از مقبولیت این داستان نزد عموم مردم است. از داستان «نوش آفرین» چاپ‌های سنگی متعددی بر جای مانده است:

- چاپ سنگی مورخ ۱۲۶۴ق محفوظ در کتابخانه ملی به اهتمام حاج آقا ابن محمدتقی نیریزی.
- چاپ سنگی مورخ ۱۲۹۳ق محفوظ در کتابخانه آستان قدس به فرمایش مشهدی عباس‌علی و مشهدی حبیب‌الله.
- چاپ سنگی مورخ ۱۳۰۸ق محفوظ در کتابخانه آستان قدس رضوی کاتب مهدی آخوند ملا عبدالمطلب.
- چاپ سنگی مورخ ۱۳۴۲ق محفوظ در کتابخانه آستان قدس رضوی به فرمایش آقا محمدحسن.
- چاپ سنگی مورخ ۱۳۵۱ق محفوظ در کتابخانه ملی به قلم حسن بن رضا متخلص به رضوان.

#### ۵. چاپ سنگی زمینه‌ساز ترویج ادبیات عامه

داستان عامه به آن دسته از قصه‌های کهنی گفته می‌شود که به صورت شفاهی یا مکتوب در میان یک قوم از نسلی به نسل دیگر منتقل و گونه‌های متنوعی از اساطیر بدوی،

قصه‌های پریان تا قصه‌های مکتوبی را که موضوع آن‌ها برگرفته از فرهنگ قومی است شامل می‌شود (داد، ۱۳۷۵: ۲۳۴). هدف عمده این داستان‌ها سرگرمی است؛ اما در درون‌مایه و زیربنای فکری آن‌ها، اصول انسانی و عدالت اجتماعی نیز ترویج می‌شود (میرصادقی، ۱۳۷۶، ۵۸). در دوره قاجار قصه‌های عامه رواج بیشتری یافت و یکی از دلایل این امر ظهور چاپ سنگی در این دوره بود که نشر و گسترش این داستان‌ها را سبب می‌شد. نخستین چاپخانه در سال ۱۲۳۲ق در تبریز به راه افتاد. از چاپ‌های سنگی مصور می‌توان از خمسه نظامی چاپ ۱۲۶۱ق یاد کرد که به صورت نفیس با جلد و خطی زیبا به چاپ رسیده است. کتب چاپ سنگی در ابتدا فاقد تصویر بودند؛ اما در سال‌های بعد چاپ‌های سنگی مصور نیز رواج یافتند و به تبع آن بسیاری از هنرمندان و نقاشان به کارگاه‌های تولید این کتب پیوستند. کتب مذهبی، داستان‌های عامه، شاهنامه و ... به صورت مصور چاپ شدند. شاهنامه اولیا سمیع از مشهورترین چاپ‌های سنگی مصور است. به گفته مارزلف (۱۳۹۰، ۳۷) لیلی و مجنون اولین نسخه مصور چاپ سنگی بود و در سال ۱۲۵۹ق منتشر شد. البته، تصاویر این نسخه هنوز خام‌دستانه و ساده است. این نسخه اکنون در کتابخانه ملی نگهداری می‌شود.

#### ۶. داستان «نوش آفرین گوهر تاج»

داستان «نوش آفرین گوهر تاج» یا «نوش آفرین‌نامه» داستان عامه‌منثوری از دوره قاجار در شرح عشق شاهزاده ابراهیم، برای رسیدن به معشوقش نوش آفرین گوهر تاج است. شخصیت اصلی داستان نوش آفرین، شاهدخت دمشق و قهرمان اصلی شاهزاده ابراهیم نام دارد. در این داستان موجودات افسانه‌ای نظیر دیو، اژدها، پری و ... در نقش نیروهای یاریگر و دشمن ظاهر می‌شوند. این قصه آمیزه‌ای از رزم و بزم است:

پادشاه پیر دمشق به نام جهانگیر شاه که فرزندی ندارد، با ناامیدی قصد می‌کند از سلطنت کناره‌گیری و درویشی پیشه کند. درباریان وی، فیاض عابد را به او معرفی می‌کنند تا با زهد خویش گره از این مشکل بگشاید. فیاض عابد دو دانه گندم با برکت به شاه می‌دهد تا یکی را خود بخورد و دیگری را به همسرش بدهد تا باردار شود. پس از چندی جهانگیر شاه صاحب دختری می‌شود و فیاض عابد دختر را «نوش آفرین

گوهر تاج» نام می‌نهد و به پادشاه می‌گوید: این دختر مشقت‌های فراوانی خواهد دید و اگر می‌خواهی سلامت بماند باید هفته‌ای یک بار در «چشمه نوش» (احتمالاً در داستان نماد چشمه آب حیات است) سروتن بشوید تا از نحوست درآید. آوازه حسن نوش‌آفرین به همه جا می‌رسد؛ از جمله ابراهیم شاهزاده چین که با دیدن عکس نوش‌آفرین دل‌باخته او می‌شود.

یارب که زیاد باد هر روز عشق من و حسن آن دل‌افروز  
ماجرای این عشق بر خان‌محمد وزیر آشکار می‌شود و وزیر می‌اندیشد که برای دیدار شاهزاده و نوش‌آفرین بهتر است تا شاهزاده به بهانه شکار، خود را به دریا برساند. آن‌ها مدت هفت شبانه‌روز می‌روند تا به بندرگاه لیکوت می‌رسند، در کشتی می‌نشینند و روانه دمشق می‌شوند؛ اما کشتی گرفتار طوفان می‌شود و خان‌محمد و شاهزاده به تخته‌پاره‌ای می‌نشینند، خود را به جزیره ملک موقیا می‌رسانند و در آنجا با حمید ملاح آشنا می‌شوند و او شرح عشق خود را چنین بازگو می‌کند که عاشق ناهید بوده، گرفتار شده و از سوی جهانسوز نجات یافته است. شاهزاده هم داستان خود را بازگو می‌کند و با هم راهی دمشق می‌شوند. در دمشق به قصر نوش‌آفرین راه می‌یابند؛ اما شاهزادگان هفت اقلیم را با خدم و حشم می‌بینند که همگی به طلب نوش‌آفرین آمده‌اند. شاهزاده ابراهیم برای دست یافتن به نوش‌آفرین، شبی لباس مبدل می‌پوشد، به ایوان قصر کمر می‌اندازد و به اندرون قصر راه می‌یابد. سپس انگشتی از دست خود در می‌آورد و به دست نوش‌آفرین می‌کند و در عوض، انگشتی نوش‌آفرین را در دست خود می‌کند و می‌رود. وقتی نوش‌آفرین از خواب برمی‌خیزد انگشتی نقره را در دستش می‌بیند که روی آن نوشته:

امروز فلک به‌نام ابراهیم است خورشید فلک غلام ابراهیم است  
شب دوم، شاهزاده نامه‌ای عاشقانه بر بالین نوش‌آفرین می‌گذارد. شب سوم، نوش‌آفرین بیدار می‌ماند تا شاهزاده را ببیند و همین دیدار سبب دل‌باختگی نوش‌آفرین به شاهزاده می‌شود:

ای آفتاب مجمع خوبان خوش آمدی وی شمع بزم جمله نکویان خوش آمدی

از سویی دیگر، یکی از خواستگاران نوش‌آفرین به نام ملک‌محمد که از سه سال پیش به قصر نوش‌آفرین آمده؛ اما هنوز بخت دیدار او را نیافته است، شبی با لباس مبدل به باغ می‌آید تا معشوق را زیارت کند؛ اما نوش‌آفرین را با شاهزاده ابراهیم در حال معاشقه می‌بیند. ملک‌محمد از روی حسد قصد می‌کند تا به طریقی شاهزاده ابراهیم را بکشد. پس توطئه‌ای می‌چیند تا ماجرا را برای پادشاه بازگو کند و به این طریق شاهزاده ابراهیم را از میدان خارج کند.

از طرف دیگر، بشنوید از شاهزاده الیاس که از همه شاهزادگان بزرگ‌تر بود و جهانگیر شاه او را مراعات می‌کرد و اختیار همه شاهزادگان را به او واگذاشته بود. روزی الیاس همه شاهزادگان را به میهمانی می‌خواند. پس از وداع، شاهزاده ابراهیم به قصر نوش‌آفرین می‌آید و تا صبح با او عشرت می‌کند. صبحدم که از قصر خارج می‌شود، غلامان ملک‌محمد، با تیغ به سوی ابراهیم حمله‌ور می‌شوند. شاهزاده الیاس صدای درگیری را می‌شنود، به میدان می‌آید و درمقابل، شاهزاده ابراهیم قرار می‌گیرد؛ اما ابراهیم تیغ بر فرق الیاس می‌زند و زخم سختی بر او وارد می‌کند. ابراهیم پنج شاهزاده دیگر را هم زخمی می‌کند و خود جان از مهلکه به‌در می‌برد. این خبر به گوش شاهزادگان دیگر می‌رسد و همگی می‌فهمند تا وقتی که ابراهیم زنده است، کام از نوش‌آفرین برنخواهند گرفت. پس چاره‌ای جز قتل شاهزاده ابراهیم نمی‌یابند.

روز دیگر غلام یکی از شاهزادگان خانه شاهزاده ابراهیم را می‌یابد، داروی بی‌هوشی در غذای او می‌ریزد و ابراهیم را بی‌هوش نزد ارباب خود می‌برد. نوش‌آفرین که از تأخیر شاهزاده ابراهیم نگران می‌شود، به طلب شاهزاده برمی‌آید و وقتی شاهزاده را گرفتار می‌یابد، دست به تیغه شمشیر می‌برد تا او را نجات دهد و درنهایت، پیروز می‌شود.

روزی نوش‌آفرین در چشمه نوش آبتنی می‌کند که ناگاه دستی غیبی نمودار می‌شود، او را می‌رباید و به قصر سلیمان می‌برد. نوش‌آفرین چون به هوش می‌آید خود را در قصری در میان دریا می‌یابد که به دست سه نره‌دیو به نام‌های ضیغم، دیلم و علقمه اسیر شده است و دیوان قصد کامجویی از او را دارند. از سوی دیگر، خبر اسارت

نوش آفرین به قصر و شاهزادگان می‌رسد و همگی در اندوه نوش آفرین زاری می‌کنند و زانوی غم به بغل می‌گیرند.

چون سه روز از این واقعه می‌گذرد. فیاض عابد (زاهدی که در به دنیا آمدن نوش آفرین نقش داشت) به پادشاه می‌گوید: نوش آفرین به تو خواهد رسید؛ اما پس از هفت سال که به دست یکی از شاهزادگان نجات یابد. سپس عابد در جی در گردن طوطی می‌کند و می‌گوید: کسی که این درج را از گردن طوطی بگشاید و طوطی با او سخن گوید، نجات‌دهنده نوش آفرین است. همه شاهزادگان طوطی را می‌آزمایند؛ اما موفق نمی‌شوند؛ اما شاهزاده ابراهیم توفیق می‌یابد تا طوطی را به سخن درآورد. شاهزاده ابراهیم مسئولیت نجات نوش آفرین را قبول می‌کند و فیاض عابد دستورهای لازم را به او می‌دهد. ابراهیم در راه با فیل و شتر می‌جنگد. مرغی شگفت‌انگیز به نام «رخ» او را به کاخ سلیمان - که محل اسارت نوش آفرین است - می‌برد. رخ چند پر خود را به شاهزاده می‌دهد تا در هنگام دشواری با سوزاندن پرها وی را به کمک بخواند (نظیر آنچه در شاهنامه درباره سیمرغ و زال آمده است). شاهزاده به نبرد با سه دیو می‌رود و با خواندن اسم اعظم شاخ دیو را می‌شکند و نوش آفرین را نجات می‌دهد. شاهزاده و نوش آفرین سه روز در کنار دریا با هم به سر می‌برند؛ اما ضیغم که از ماجرا مطلع می‌شود، شبانه نوش آفرین را می‌رباید و در سیاهچال اسیر می‌کند. نوش آفرین در زندان با میمونه‌خاتون، دختر شاه گلستان ارم، آشنا می‌شود و می‌فهمد که او نیز سرنوشتی همانند او دارد.

از آن سو شاهزاده ابراهیم پس از نبرد با دیو، اژدها و پتیاره موفق می‌شود نوش آفرین و میمونه را نجات دهد. میمونه نوش آفرین را به گلستان ارم می‌برد و پدر میمونه از شاهزاده ابراهیم می‌خواهد تا دختر او را به همسری بپذیرد؛ ولی شاهزاده ابراهیم می‌خواهد تا ابتدا به وصال نوش آفرین برسد و سپس میمونه را به عقد خود درآورد.

چند کلمه از یکی از خواستگاران نوش آفرین به نام امیرسلم بشنوید که برای قتل شاهزاده توطئه می‌کند؛ اما نوش آفرین تیغ بیرون می‌کشد، سر از تن او جدا می‌کند و لباس امیرسلم را می‌پوشد تا به هیئت مردانه درآید.



در حلب نیز جنگ سختی با ملک بهمن در می‌گیرد. خان محمد که در جنگ مجروح شده خود را به باغ شاهزاده ماه‌زرافشان می‌رساند، دختر او را معالجه می‌کند و عاشق وی می‌شود. پدر ماه‌زرافشان وی را با چهل هزار سپاهی به کمک شاهزاده ابراهیم می‌فرستد و ملک بهمن را شکست می‌دهد. شاهزاده الیاس و ملک طوفان، شاهزادگان دمشق و مصر، تصمیم می‌گیرند تا با طرح دوستی، شاهزاده ابراهیم را به خود نزدیک کنند و در نهایت، او را از میان بردارند. آن‌ها قصد می‌کنند که ابراهیم را مسموم و بر دار کنند؛ اما دستی غیبی شاهزاده ابراهیم را نجات می‌دهد. این نیروی جادویی و غیبی شاهزاده را اسیر می‌کند. رخ، شاهزاده را نجات می‌دهد و به ولایت خطا می‌برد. به کمک رخ، شاهزاده الیاس و ملک طوفان شکست می‌خورند و خود عازم فرنگ می‌شوند. جنگی به وقوع می‌پیوندد، شاهزاده به کمک سپاه فرنگ می‌رود و سپاه دشمن را شکست می‌دهد. در این میان شاهدخت مسیحی به نام خورشید عالم‌گیر، دختر شاه فرنگ، به شاهزاده ابراهیم دل می‌بندد. شاهزاده پس از مرگ شاه فرنگ دخترش خورشید عالم‌گیر را بر تخت شاهی می‌نشانند. نوش‌آفرین و میمونه محو زیبایی خورشید عالم‌گیر می‌شوند که تمام کلیسا را به نور جمال خود روشن می‌کنند و چون عشق شاهزاده ابراهیم را به او می‌بینند، کمک می‌کنند تا به وصال محبوب برسد.

گوهری دارم که صد جانش بهاست  
جان چه باشد ملک سلطانش بهاست  
شاهزاده ابراهیم از فرنگ به ولایت مغرب می‌رود. کیانوش پسر عموی خورشید عالم‌گیر به قصد تصاحب فرنگ به آنجا لشکرکشی می‌کند. شاهزاده ابراهیم که دلتنگ است از میانه راه باز می‌گردد و با کیانوش مواجه می‌شود و او را شکست می‌دهد.

شاهزاده ابراهیم پس از شکست پادشاه مغرب، نزد پدرش به ولایت دمشق می‌رود و با نوش‌آفرین ازدواج می‌کند. سپس خان محمد را برای ماه‌زرافشان و جهانسوز را برای عادل‌شاه عقد بسته و خود با خورشید عالم‌گیر، شاهدخت مسیحی، ازدواج می‌کند. شبی دیگر با میمونه خاتون هم ازدواج می‌کند. در پایان هم، حورالعین دختر جهان‌فرما پادشاه طلسم زرین را از دست زنگیان نجات می‌دهد و او را به عقد امیرالامرای قاف در می‌آورد. سرانجام، عادل‌شاه حکومت را به شاهزاده ابراهیم می‌سپارد و خود لباس درویشی بر تن می‌کند و به گوشه‌نشینی مشغول می‌شود. شاهزاده چون در سلطنت

جای می‌گیرد، دستور می‌دهد سه قصر عالی برای نوش‌آفرین، میمونه‌خاتون و خورشید عالمگیر بنا کنند و کنیزان و غلامان آفتاب طلعت را به خدمت آنان گمارد و خود به پادشاهی مشغول شد. پس از سالیان دراز ابراهیم عالم فانی را وداع می‌گوید.

مارزلف (۱۳۹۲: ۱۵) دربارهٔ پایان‌بندی داستان و ازدواج شاهزاده ابراهیم با سه زن چنین اظهار نظر می‌کند: برای خواننده سبب شگفتی است که قهرمان این قصه با سه زن می‌پیوندد. نوش‌آفرین در این داستان بیشتر نقشی منفعل دارد، او تنها تربیت یافته است تا مادر پادشاه آینده باشد.

#### ۷. بررسی تصاویر نخستین چاپ سنگی مصور نوش‌آفرین گوهرتاج

در این پژوهش نخستین چاپ سنگی مصور نوش‌آفرین گوهرتاج که حدود ۳۰ سال بعد از اولین نسخهٔ خطی مصور آن به چاپ رسید، بررسی می‌شود. این چاپ از قدیم‌ترین نسخ چاپ سنگی است و حدود دو دهه با اولین کتابی که به شیوهٔ سنگی در سال ۱۲۴۸ به چاپ رسید فاصله دارد (شچکلووا، ۱۳۸۸: ۳۶). این نسخه مورخ ۱۲۶۳ق دارای ۸۲ برگ، ۲۱ سطری، در ابعاد ۱۴,۵ × ۲۲ س.م، ابعاد متن ۱۰,۵ × ۱۸,۵، محفوظ در آکادمی ملی لنینچی رم، کاتب علی‌اصغر تفرشی، دارای ۵۷ تصویر است. در بالای یکی از نگاره‌ها «رقم میرزا علیقلی» درج شده است و جای تردید باقی نمی‌گذارد که نگاره‌های این نسخه اثر معروف‌ترین نگارگر چاپ سنگی در ایران، یعنی میرزا علیقلی خویی است.

میرزا علیقلی خویی معروف‌ترین تصویرساز کتب چاپ سنگی در ایران است. نخستین آثار شناخته‌شدهٔ وی به ۱۲۶۳ق برمی‌گردد. چاپ *خمسۀ نظامی* در ۱۲۶۴ق او را در مقام استاد عالی تصویرسازی چاپ سنگی تثبیت کرد. او بعضی از آثار خود را با عنوان «بندۀ درگاه» امضا کرده است. تاکنون حدود سی جلد کتاب شامل ۱۳۰۰ تصویر به رقم و امضای میرزا علیقلی خویی شناسایی شده است؛ از جمله *بختیارنامه* مورخ ۱۲۶۳ق، *نوش‌آفرین گوهرتاج* مورخ ۱۲۶۳ق، *عجایب المخلوقات* مورخ ۱۲۶۴ق، *خسرو دیوزاد* مورخ ۱۲۶۴ق، *خمسۀ نظامی* مورخ ۱۲۶۴ق، *مجالس‌المتقین* مورخ ۱۲۶۵ق، *مسیب‌نامه* مورخ ۱۲۶۵ق، *شاهنامه* مورخ ۱۲۶۵ق، *قانون نظام* مورخ ۱۲۶۷ق،

اسرارالشهاده مورخ ۱۲۶۸ق، چهل طوطی مورخ ۱۲۶۸ق، حمه‌حیدری مورخ ۱۲۶۹ق، کلیات سعدی مورخ ۱۲۶۹ق، گلستان ارم مورخ ۱۲۷۰ق، روضه‌الصفاء مورخ ۱۲۷۰ق، مثنوی طاق‌دیس مورخ ۱۲۷۱ق و اولین چاپ مصور الف لیله و لیله مورخ ۱۲۷۲ق (ر.ک: دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۹۳، ذیل خوبی، میرزا علیقلی).

#### ۷ - ۱. تحلیل نگاره‌ها

نگاره‌های این اثر به سبک قاجاری ترسیم شده است. شاخصه‌های نقاشی قاجار در طراحی چهره‌ها، لباس‌ها و اندام‌ها قابل مشاهده است. گاه تأثیرات اروپایی نیز در نگاره‌ها دیده می‌شود. بیشتر تصاویر، ساده و با جرئیات تصویری اندک ترسیم شده است و تنها شامل چند پیکره با پس‌زمینه‌ای بسیار کم‌کار است. دورنمای عمارت به‌ندرت در نگاره‌ها به‌چشم می‌خورد و پوشش گیاهی تنها چیزی است که پس‌زمینه نگاره‌ها را تزیین می‌کند. ترکیب‌بندی‌های ایستا، حرکات خشک و قراردادی و تصاویر غیرقرینه از دیگر ویژگی‌های نگاره‌های این نسخه است. در بعضی از نگاره‌ها بی‌دقتی‌های اندکی دیده می‌شود، نظیر بیرون‌زدگی از کادر که البته جزئی است و چندان نیست که به نقاشی لطمه بزند. پیکره‌نگاری قاجاری، تصویرگری موجودات موهوم و افسانه‌ای، ترسیم صحنه‌های رزم و بزم، از جمله شاخصه‌های نگاره‌های این نسخه است که در ادامه به آن می‌پردازیم.

#### ۷ - ۱ - ۱. چهره‌پردازی و پیکره‌نگاری قاجاری

در نقاشی‌های دوره قاجار چهره‌ها با صورت گرد، چشمان درشت و مشکی، ابروان کمانی به‌هم‌پیوسته، بینی و لبان کوچک ترسیم می‌شود. ابروهای پرپشت و کمانی در این دوره یک معیار زیبایی به‌شمار می‌رفت؛ زیرا رقاصه‌ها و نوازندگان درباری که به‌دلیل حرفه از مدهای مرسوم پیروی می‌کردند، ابروان پرپشت و کمانی داشتند. ریش و سبیل مشکی و بلند شاهان قاجاری نیز الگویی برای چهره‌پردازی مردان در این نگاره‌هاست.

پوشش زنان پیراهن بدون یقه جلوباز با آستین‌های چین‌دار و ارخالق است و پوشش مردان قبا، پیراهن زیر و رو، شال کمر یا کمر بند، شلوار و دستار است که با توجه به فضای شاهانه داستان، در بیشتر نگاره‌ها تاج نیز به‌منزله عنصری شاهانه مشاهده می‌شود (نگاره‌های «شاهزاده ابراهیم و شاهان دیگر در حال رایزنی» و «پدر نوش‌آفرین و شاهزاده در اندوه و غم»)، (تصاویر شماره ۱ - ۲).



تصویر ۱: شاهزاده ابراهیم و شاهان دیگر در حال رایزنی

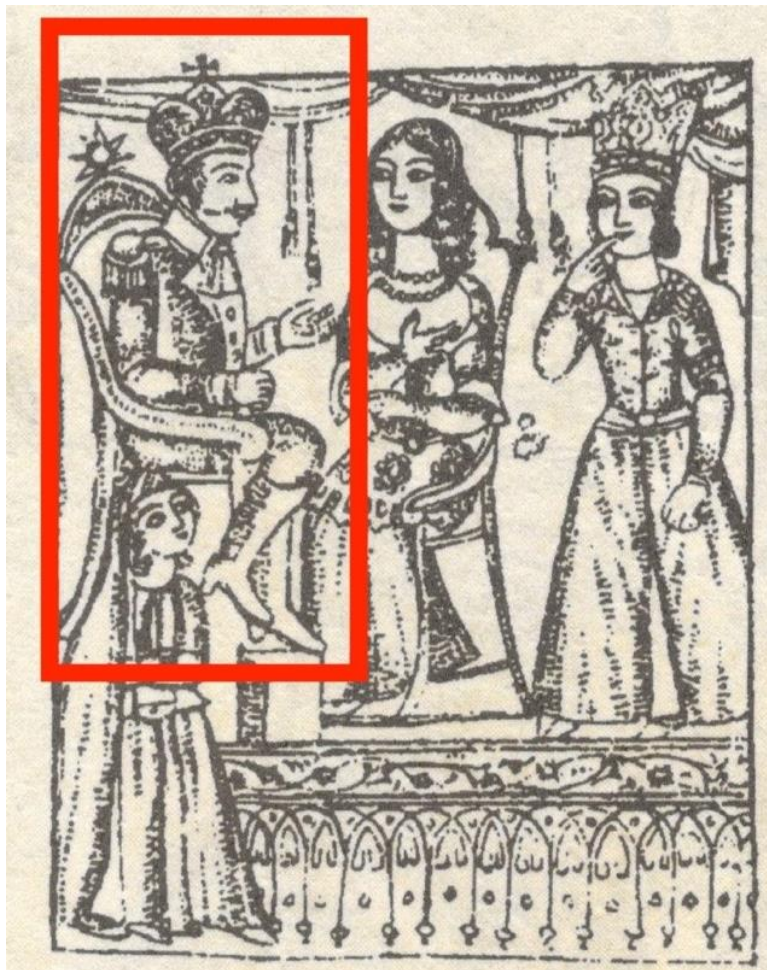


تصویر ۲: پدر نوش آفرین و شاهزاده در اندوه و غم

#### ۷ - ۱ - ۲. تأثیرات اروپایی

نوع پوشش در بیشتر نگاره‌ها پوشش ایرانی رایج عصر قاجار است؛ اما در بعضی نگاره‌ها بارقه‌هایی از پوشش اروپایی هم به چشم می‌خورد. نظیر نگاره «روبه‌رو شدن شاهزاده ابراهیم با خورشید عالم‌گیر در کلیسا و عاشق شدن». در این نگاره شاهزاده ابراهیم کت بلند چسبان، شلوار و چکمه‌ای که شلوار در آن فرو رفته است، بر تن دارد و نشان نظامی بر شانه‌های کت نصب شده است (تصویر شماره ۳). این همان پوشش نظامی دوره قاجار است که در جریان غربی‌سازی لباس ارتش و تحت تأثیر پوشاک نظامی روس به ایران وارد شد. در پی رفت‌وآمد خارجی‌ان به دربار، تغییر در پوشاک نظامی ایرانیان آغاز و با اعزام دانشجویان به خارج از کشور تغییرات بیشتری در این پوشش ایجاد شد. غربی‌سازی از طریق ارتش به پوشاک وارد شد؛ زیرا یونیفرم‌های

اروپایی در مقایسه با یونیفرم سنتی ایران کارآمدتر بود. البته، این تغییر در ابتدا با ممانعت احکام دینی و منع پوشش به شیوه کفار مواجه شد و اعتراض برخی علما را به دنبال داشت (ر.ک: ماهوان، ۱۳۹۵: ۱۸۳ - ۱۸۴).



تصویر ۳: روبه‌رو شدن شاهزاده ابراهیم با خورشید عالم‌گیر در کلیسا و عاشق شدن

یکی دیگر از شاخصه‌هایی که تحت‌تأثیر فرهنگ اروپایی به نگارگری ایرانی وارد شد و در هنر دوره‌های قبل دیده نمی‌شود، تعامل با حیوانات به‌ویژه سگ است که نخستین نمونه‌های آن در نگارگری دوره صفوی به‌ویژه در تکننگاره‌ها مشاهده می‌شود،

عامه‌نگاری در چاپ سنگی مصورنوش آفرین گوهر تاج \_\_\_\_\_ فاطمه ماه‌وان

نظیر نگاره «مرد اروپایی و سگ دست‌آموز»، اثر رضا عباسی (تصویر شماره ۴) و نگاره «زن و سگ دست‌آموز»، اثر میرافضل تونی شاگرد رضا عباسی (تصویر شماره ۵).



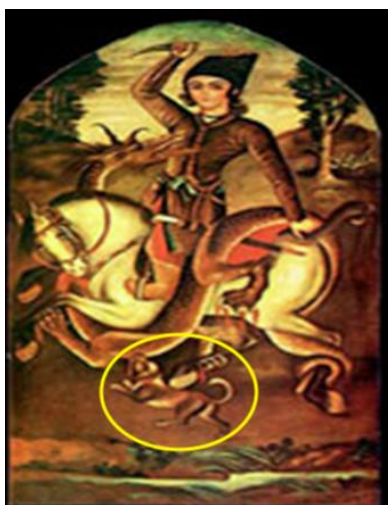
تصویر ۴: مرد اروپایی و سگ دست‌آموز، اثر رضا عباسی



تصویر ۵: زن و سگ دست‌آموز، اثر میرافضل تونی

در نگاره «شاهزاده ابراهیم در راه رسیدن به نوش‌آفرین» تصویر یک سگ - که بیشتر شبیه سگ خانگی است - در کنار اسب شاهزاده دیده می‌شود (تصویر شماره ۶). نظیر تصویر شماره ۶ در نگاره «شاهزاده قاجاری» آمده است. در هر دو نگاره، اسب

سفید شاهزاده در حال تاختن است. سگی کوچک در پی اسب می‌دود و شاهزاده و اسبش را همراهی می‌کند. البته، در نگاره شاهزاده قاجاری شاهد صحنه شکار شاهانه هستیم، در حالی که در نگاره «شاهزاده ابراهیم در راه رسیدن به نوش‌آفرین» روایت عشقی شاهانه به تصویر درآمده است. هر چند به یقین نمی‌توان گفت که میرزا علیقلی خوبی از نگاره مذکور الگوبرداری کرده باشد؛ اما می‌توان تخمین زد که نگارگران به الگوی تصویری در نگاره‌های این دوره توجه کرده‌اند.



تصویر ۶: شاهزاده ابراهیم در راه رسیدن به نوش‌آفرین و شباهت با صحنه شکار در نگاره شاهزاده قاجاری

### ۷ - ۱ - ۳. موجودات افسانه‌ای و موهوم

از بارزترین نمودهای تفکرات عامه در نگاره‌های نوش‌آفرین گوهرتاج، توجه به تصویرگری موجودات موهوم و افسانه‌ای نظیر دیو، هیولا، اژدها، پری و فرشته است (تصاویر شماره ۷، ۹، ۱۱). در داستان «نوش‌آفرین»، موجودات افسانه‌ای نظیر دیو، اژدها، پری و ... در نقش نیروهای یاریگر و دشمن ظاهر می‌شوند. دیوها که در نگاره‌های این نسخه بسیار به تصویر درآمده‌اند، پیکره‌ای عظیم و گاه خال‌دار، شاخ و دم دارند و معمولاً دامنی کوتاه پوشیده‌اند؛ اما چهره آن‌ها نه تنها مهیب و ترسناک نیست که



عامه‌نگاری در چاپ سنگی مصورنوش آفرین گوهر تاج \_\_\_\_\_ فاطمه ماه‌وان

با شمایل تمسخرآمیز که یادآور باورهای خرافی است، چهره‌پردازی شده‌اند. در مجموع، دیوها در این نسخه به صورت موجوداتی موهوم و شبیه به باورهای خرافی و عوامانه پیکره‌سازی شده‌اند و شمایل آن‌ها با تصویر اسطوره‌ای دیو در نگاره‌های نسخی نظیر شاهنامه بایسنغری و شاهنامه طهماسبی متفاوت است.

شیوه ترسیم چاه در نگاره «محبوس شدن نوش آفرین در چاه» با دید زیبایی‌شناسانه امروز سنخیت چندانی ندارد؛ اما این شیوه تصویرگری چاه، در نگارگری ایرانی معمول بوده و نظایر آن را در نگاره‌های «اسارت بیژن در چاه» (تصویر شماره ۸) و «به چاه انداختن یوسف<sup>(ع)</sup>» برجای مانده است.

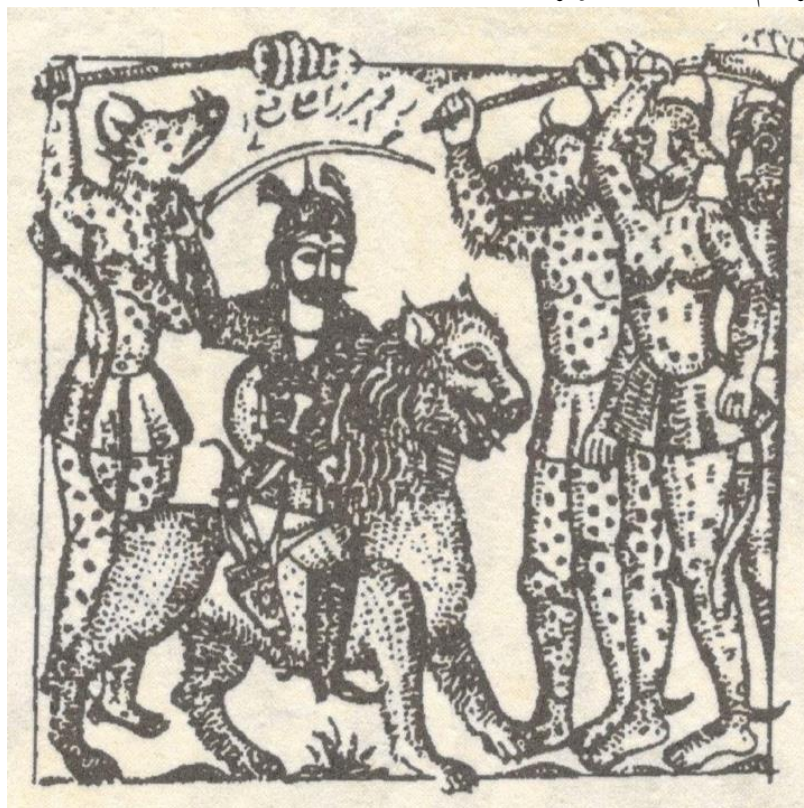


تصویر ۷: محبوس شدن نوش آفرین در چاه



تصویر ۸: نجات دادن بیژن از چاه، شاهنامه مورخ ۱۰۲۱، محفوظ در کتابخانه ملی تهران

گفتنی است که «رقم میرزا علیقلی» در بالای نگاره «خان محمد سوار بر شیر به دیوها حمله می‌کند»، درج شده است و جای تردید باقی نمی‌گذارد که نگاره‌های این نسخه اثر معروف‌ترین نگارگر چاپ سنگی در ایران، یعنی میرزا علیقلی خوبی است. در این نگاره چهار دیو شاخ‌دار و خال‌دار که دامن‌های کوتاه بر تن دارند، خان محمد را احاطه کرده‌اند. این دیوها بیش از آنکه چهره‌ای مهیب داشته باشند، با صورتی گیج و ابله‌وار ترسیم شده‌اند که تحت تأثیر باورهای خرافی و عوامانه دوره قاجار است. همچنین، شیری که خان محمد بر آن سوار است، با سر بزرگ، یال‌های تنیده، پاها و پنجه‌هایی ایستا، اما استوار ترسیم شده و بیش از آنکه ددمنش و درنده‌خو باشد، با حالتی تمثال‌گونه و شبیه به تصویر شیر در علم‌های عاشورایی و پرده‌های تعزیه‌خوانی دوره قاجار ترسیم شده است (تصویر شماره ۱۰).

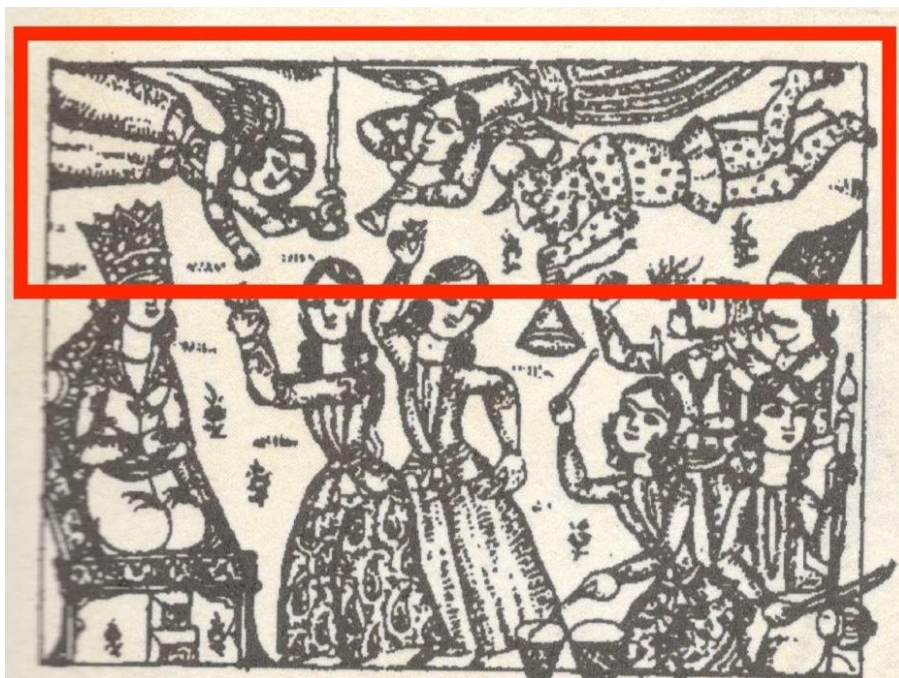


تصویر ۹: خان محمد سوار بر شیر به دیوها حمله می‌کند



تصویر ۱۰: تصویر شیر در علم‌های عاشورایی

در بالای کادر تصویر شماره ۱۱، نگاره «شاهزاده ابراهیم و نوش‌آفرین در بزم»، تصاویر دیو و پری ترسیم شده است: دیو شیپور می‌نوازد و فرشته‌های بال‌دار چهره و لباسی شبیه به زنان قاجاری دارند، یکی از فرشته‌ها شیپور می‌نوازد؛ اما فرشته دیگر شمشیر در دست گرفته است. انتظار می‌رود، شمشیر به‌منزله ابزاری رزمی در دست دیو باشد؛ اما خلاف عادت در دست فرشته جای گرفته است! در متن هیچ اشاره‌ای مبنی بر حضور جن و پری در این صحنه نیست و نگارگر بنا بر ذهنیت خود تصاویر این موجودات خیالی را به نگاره افزوده و به بزم شاهانه صبغ‌ای افسانه‌ای و عوامانه بخشیده است (تصویر شماره ۱۱).



تصویر ۱۱: شاهزاده ابراهیم و نوش آفرین در بزم

#### ۷-۱-۴. رزم و بزم

داستان «نوش آفرین» آمیزه‌ای از رزم و بزم است و در نگاره‌های آن نیز هر دو مورد نمود یافته است.

#### ۷-۱-۴-۱. نگاره‌های رزمی

در نگاره‌های رزمی شاهد جنگ تن‌به‌تن و نبرد گروهی هستیم. از مهم‌ترین صحنه‌های جنگ تن‌به‌تن، نبرد نوش آفرین و امیرسلم است که در آن نوش آفرین، امیرسلم را می‌کشد و سپس لباس‌های او را بر تن می‌کند تا شمایل مردانه پیدا کند (تصویر شماره ۱۲). در نبردهای گروهی نظیر «نبرد سپاه شاهزاده ابراهیم با دشمن» فضای تصویر با پیکره جنگجویان سوار بر اسب پوشیده شده و سرهای بریده و جنازه سربازان زیر سم اسبان افتاده است (تصویر شماره ۱۳).



تصویر ۱۲: نبرد نوش آفرین و امیرسلم



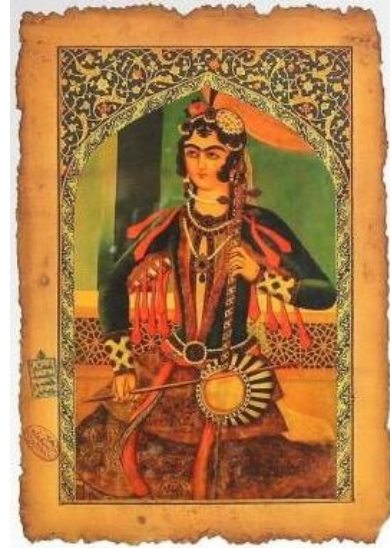
تصویر ۱۳: نبرد سپاه شاهزاده ابراهیم با دشمن

### ۷-۱-۴-۲. نگاره‌های بزمی

بزم و طرب بخش جدایی‌ناپذیر داستان‌های عاشقانه عامه است. شیوه ترسیم نگاره‌های بزمی در این نسخه تداعی‌کننده بزم‌های رایج در زمان قاجار است: زنان رقصنده، نوازندگان کمانچه و دف (تصویر شماره ۱۴) که درست شبیه به تصویر زنان در تک‌نگاره‌های قاجاری است (تصاویر شماره ۱۵، ۱۶، ۱۷).



تصویر ۱۴: نوش‌آفرین و شاهزاده ابراهیم در بزم: نوازنده کمانچه، رقصنده، نوازنده داف



تصویر ۱۵: نقاشی قاجاری، نوازنده کمانچه تصویر ۱۶: نقاشی قاجاری، رقصنده



تصویر ۱۷: نقاشی قاجاری، نوازنده داف

«تاج‌گذاری خورشید عالم‌گیر (شاهدخت مسیحی) توسط شاهزاده ابراهیم» و «شاهزاده ابراهیم و نوش‌آفرین در بزم» نمونه‌های دیگری از نگاره‌های بزمی این نسخه است (تصاویر شماره ۱۱، ۱۸).

#### ۶. نتیجه

پژوهش حاضر، قدیم‌ترین چاپ سنگی مصور نوش‌آفرین گوهرتاج مورخ ۱۲۶۳ق را بررسی کرده است. این پژوهش ضمن تأکید بر اهمیت و جایگاه چاپ سنگی در ترویج داستان‌های عامه، به تحلیل تصاویر نسخه از جنبه‌های چهره‌پردازی و پیکره‌نگاری، تصویرگری موجودات موهوم و افسانه‌ای و ترسیم صحنه‌های رزم و بزم پرداخته است. حاصل این بررسی نشان داد که نگارگر چیره‌دست این نسخه، یعنی میرزا علیقلی خوبی در چهره‌پردازی از الگوی چهره زنان و مردان قاجاری الهام گرفته و چهره شخصیت‌های داستان را همانند افراد پیرامون خود ترسیم کرده است. در پیکره‌نگاری نیز جامه و پوشش رایج در روزگار خود را الگو قرار داده است. در آن روزگار تأثیرپذیری از سبک پوشش اروپایی به‌ویژه در لباس نظامی جای خود را باز می‌کرد و این مهم از دیده‌گان نگارگر مغفول نمانده و آن را در نگاره‌ها بازنمایانده است.

بخشی دیگر از نگاره‌های نسخه به تصویرگری موجودات افسانه‌ای موهوم اختصاص دارد؛ شامل تصاویری از دیو، اژدها، جن و پری. دیو در نگاره‌های این نسخه بیش از آنکه چهره‌ای مهیب و ترسناک داشته باشد، تمسخرآمیز، گیج و ابله‌وار ترسیم شده و به موجودات موهوم در باورهای خرافی و عوامانه مردم عصر قاجار شبیه است نه تصویر اسطوره‌ای دیو در نگاره‌های شاهنامه. این شیوه تصویرگری تنها درباره دیوها صادق نیست؛ بلکه موجودات دیگر نظیر شیر نیز با شمایی تمثال‌گونه که هم‌سنگ با تصویر شیر در علم‌های عاشورایی و پرده‌های تعزیه‌خوانی است، ترسیم می‌شوند و این همان تصویری است که مردم آن روزگار در جامعه پیرامون خود می‌دیدند.

حاصل بررسی نشان می‌دهد که تصویرگر این نسخه، میرزا علیقلی خوبی، زبان گویای مردم روزگار خود بوده است و آن‌گونه که مردم آن روزگار می‌زیستند یا آرزو می‌کردند، نگاره‌ها را به‌تصویر کشیده است تا درنهایت، حاصل کارش مردم‌پسند و



عامه‌نگاری در چاپ سنگی مصورنوش‌آفرین گوهر تاج \_\_\_\_\_ فاطمه ماه‌وان

درخور روزگار خود باشد. آنچه در نگاره‌های نسخه‌نوش‌آفرین گوهر تاج می‌بینیم، بازتابی از چهره‌مردم آن روزگار است که در صفحات چاپ سنگی نسخه به‌ثبت رسیده است.

### منابع

- اسکندری، نسرين و اکبر اسکندری (۱۳۹۵). *نوش‌آفرین گوهر تاج*. شیراز: مروارید.
- رفیعی وردنجانی، اکرم و علی‌اکبر شریفی مهرجردی (۱۳۹۶). «بازشناسی رقم نقاش در نسخ چاپ سنگی دوره قاجار (مطالعه تطبیقی نسخه چاپ سنگی نوش‌آفرین گوهر تاج، محفوظ در کتابخانه آستان قدس رضوی و آثار میرزا نصراله)». *هنرهای زیبا (هنرهای تجسمی)*. د ۲۲. صص ۳۱ - ۴۲.
- بهرامی، ایرج (۱۳۸۷). *قصه عاشقان قدیمی*. تهران: ورجاوند.
- ذوالفقاری، حسن و همکاران (۱۳۹۰). «قصه‌شناسی نوش‌آفرین‌نامه». *جستارهای ادبی*. ش ۱۷۳. صص ۷۲ - ۹۸.
- داد، سیما (۱۳۷۵). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. تهران: مروارید.
- *دانش‌نامه جهان اسلام* (۱۳۹۳): «خوبی، میرزا علیقلی». *اولریش مارزلف*. ج ۱۶. تهران: بنیاد دائرةالمعارف اسلامی.
- شچکلوا، الیمپادا پاولونا (۱۳۸۸). *تاریخ چاپ سنگی در ایران*. ترجمه پروین منزوی. تهران: معین.
- مارزلف، اولریش (۱۳۹۰). *تصویرسازی داستانی در کتاب‌های چاپ سنگی فارسی*. ترجمه شهروز مهاجر. تهران: نظر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲). *قصه‌نوش‌آفرین گوهر تاج*. تهران: به‌نگار.
- ماه‌وان، فاطمه (۱۳۹۵). *شاهنامه‌نگاری، گذر از متن به تصویر*. تهران: معین.
- میرصادقی، جمال (۱۳۷۶). *ادبیات داستانی*. تهران: سخن.

## Folklorism in Litographs of *Noosh Afarin GoharTaj*

Fatemeh Mahvan<sup>1</sup> \*

1. Assistant professor of Persian Language and Literature, Ferdowsi Mashhad University.

Received: 31/12/2019

Accepted: 14/03/2020

### Abstract

Folk tales were made popular among people in Qajar era. The advent of lithography in this period contributed greatly to the dissemination and expansion of these stories, especially the illustrated lithographs that made stories more visually appealing to people. The story of the *Noosh Afarin GoharTaj* is a proverbial folk tale from the Qajar period which depicts Prince Abraham's love, King of China's son, for Prince GoharTaj who is the Prince of Damascus. The author and timing of this folk tale are unknown. However, numerous lithographs of GoharTaj's story show its popularity. Given the importance of this story for the public, the present study examines one of the most important lithographs of this story, the first one, dated back to 1847 and kept at the Lynch National Academy in Rome. This edition is illustrated by two illustrations by the most prominent illustrator of lithography books, Mirza Ali Gholi Khoi in 57 paintings. This study examines the popular story and the importance of lithography in promoting this story. The main part of the article is devoted to analyzing the illustrations of this edition from the perspective of iconography, demonstrating imaginary and mythical creatures, and drawing scenes of martial arts and martyrdom. The results of the research show that the illustrator has been trying to portray the paintings in a way that is popular and appropriate to the needs of his age.

**Keywords:** Lithography; Mirza Ali Qoli Khoi; Persian painting; Noosh Afarin GoharTaj.

---

\*Corresponding Author's E-mail: f.mahvan@um.ac.ir